

# دانشگاه مستدام

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

سال چهارم، شماره ۴۳، فروردین ۱۴۰۱



# الدعوات

## ماهنامه علمی - اطلاع رسانی دانش مستدام

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰  
سال چهارم، شماره ۴۳، فروردین ۱۴۰۱



مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیرمسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سردبیر: دکتر اکرم حیدری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

مریم اردبیلی، مرتضی حیدری، محسن رضایی آدریانی،

محمود شکوهی تبار، احمد مشکوری، محمد مهری لیقوان، صادق یوسفی

تیم اجرایی: محمد سالم، مریم سادات موسوی، زهرا علایی طباطبایی

ویراستار: حورا خسته

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین» ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما،

آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

info@muq.ac.ir

۰۲۵-۳۷۷۷۸۳۳

### سخن آغازین

۴.....دعا برای عاقبت بخیری.....

۵.....پیام سلامت و دین (۱).....

### سلامت در قرآن

۶.....نقش استعاذه به خداوند در ارتقای سلامت معنوی از منظر قرآن کریم.....  
محمود شکوهی تبار

### سلامت در احادیث

۸.....معرفی منابع شیعی روایی مرتبط با سلامت جسمی.....  
محمود شکوهی تبار

### فقه سلامت

۱۰.....حکم تشریح جسد به قصد آموزش (۴).....  
احمد مشکوری

### تحلیل اخلاقی - حقوقی موارد

۱۲.....درستکاری، همواره!.....  
محسن رضایی آدریانی، حمید آسایش

### تاریخ علوم پزشکی

جایگاه دانش پزشکی در تقسیم‌بندی علوم از دیدگاه  
ابوسهل مسیحی جرجانی.....  
حمیدرضا اسماعیلی

### معرفی کتاب

۱۷.....پیشگیری از بارداری و سقط درمانی در آئینه فقه.....

### زلال سلامت

۱۸.....دست نگار.....

۱۹.....پیام سلامت و دین (۲).....



## راهنمای نویسندگان

نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی-اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به‌صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.

- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.

- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به‌صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به‌صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به‌عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون‌متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به‌عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان). عنوان مقاله/ کتاب/ پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسئول اعلام خواهد شد.

- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.

- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه [hrj@muq.ac.ir](mailto:hrj@muq.ac.ir)



## دعا برای عاقبت به خیری

که چاره‌ای از آن و اجابتش نیست، ما را آماده افتادن به کام مردن کند، پس بر محمد و آتش درود فرست و پایان آنچه نویسندگان اعمال ما در پرونده ما خواهند نوشت، توبه پذیرفته شده قرار بده؛ توبه‌ای که پس از آن، ما را بر گناهی که کرده‌ایم و معصیتی که مرتکب شده‌ایم، نایستانی، و پرده‌ای که بر گناهان ما پوشاندی، در برابر حاضران روز قیامت از روی ما برنندار؛ روزی که خبرهای بندگان را آشکار می‌کنی. مسلماً تو در برابر کسی که تو را می‌خواند، مهربانی، و در برابر کسی که صدایت می‌زند، پاسخ‌دهنده‌ای.

منبع:

صحیفه سجاده. دعای یازدهم. ترجمه حسین انصاریان <https://www.erfan.ir/farsi/sahifeh11>، دسترسی در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

ای آن که یادش برای یادکنندگان عزت و افتخار است و ای آن که سپاس‌گزاری‌اش، برای سپاس‌گزاران پیروزی و رستگاری است و ای آن که فرمان‌برداری‌اش برای فرمان‌برداران، نجات و رهایی است! بر محمد و آتش درود فرست و دل‌های ما را به یادت از هر یادی و زبانمان را به سپاس‌گزاری‌ات از هر سپاسی و اعضایمان را به طاعتت از هر طاعتی، بی‌خبر گردان و اگر در کنار کار و کوشش، فراغت و آسایشی برای ما مقدر کرده‌ای، آن فراغت و آسایش را قرین سلامت قرار ده که در عرصه‌گاه آن، پیامد بدی به ما نرسد و ملالت و دل‌تنگی به ما نپیوندد تا فرشتگان نویسنده بدی‌ها با پرونده‌ای پاک و خالی، از ثبت بدی‌های ما چشم‌پوشی کنند، و فرشتگان نویسنده خوبی‌ها، به سبب خوبی‌هایی که از ما نوشته‌اند، خوشحال و شادان بازآیند، و هنگامی که روزگار زندگی‌مان سپری شود و مقدار عمرمان بگذرد و به پایان برسد و دعوتت به مرگ،





### پیام سلامت ودین (۱)

از دیدگاه **فقهی**، هر فرد رشیدی\* **صاحب اختیار** بدن خویش است.

هرگونه **دفل و تصرف** در بدن فرد (مانند **جرامی**)، بدون **اذن وی** مجاز نیست، **حتی اگر تیم پزشکی** این **دفل و تصرف** را به صلاح او بدانند.

مگر در شرایط اورژانس و برای نجات جان فرد، که **اذن لازم نیست**.

\*شرایط رشید بودن عبارتند از: بلوغ جسمی، عاقل بودن (درک مسن و قبح افعال) و توانایی اداره امور مالی شخصی.

## نقش استعاذه به خداوند در ارتقای سلامت معنوی از منظر قرآن کریم

محمود شکوهی تبار

گروه مطالعات قرآن و حدیث در سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

shokouhi@muq.ac.ir

۱؛ «اعوذ» فعل مضارع است و بر استمرار دلالت می‌کند؛ یعنی پیامبر خدا با این اعلام از سیره عملی خود خیر داده است و همواره به خداوند پناه می‌برند. حضرت نوح علیه السلام از درخواست‌های جاهلانه مردم به خداوند پناهنده شد (هود: ۴۷). حضرت موسی علیه السلام در مقاطع مختلف، مانند مقابله با فرعونیان و دوری از تهمت‌های آنان (دخان: ۲۰) و برای دوری از رفتارهای جاهلانه بی‌خردان و در شمار آنان نبودن (بقره: ۶۷) و در برابر تهدید قتل از سوی فرعون (غافر: ۲۷) به خداوند پناه برد. حضرت یوسف علیه السلام در موقعیت سخت ایجاد شده از سوی زلیخا و در برابر درخواستش، به حصن حصین حضرت حق پناهنده شد (یوسف: ۲۳). حضرت ایوب علیه السلام نیز هنگام طلب عافیت و رفع گرفتاری از پروردگار، به او پناه برد. زمانی که جبرئیل به صورت یک بشر بر حضرت مریم علیها السلام وارد شد، وی از ترس اینکه نکند قصد سوء داشته باشد خود را به خداوند سپرد تا رحمت الهی شامل حالش گردد (مریم: ۱۸). بنابراین، پناه بردن به خداوند را می‌توان از ویژگی‌های مشترک انبیا و اولیای الهی دانست.

با مراجعه به قرآن کریم درمی‌یابیم که پناه بردن به خداوند از جهات مختلف سودمند است؛ چراکه این کار موجب ایمنی از شرور (سوره فلق)، و سوسه (سوره ناس)، موجب جلب رحمت الهی و پذیرفته شدن توبه (توبه، ۱۱۸)، حفظ عفت و رهایی از آلودگی (یوسف: ۲۳-۲۴؛ مریم: ۱۸)، مصون ماندن از خطر متکبران و منکران قیامت (غافر: ۲۸)، رهایی از جهل و نادانی (بقره: ۶۷) و فرار از ظلم و ستم (یوسف: ۷۹) است. براین اساس، پناه بردن به خداوند آرامش انسان را دوچندان می‌نماید. زندگی در دنیایی که پر از عدم قطعیت‌ها، ناکامی‌ها و سختی‌هاست، بدون یک پناهگاه مطمئن که انسان

از نیازهای اساسی انسان، نیاز به امنیت است که از نظر برخی محققان، بعد از نیازهای فیزیولوژیک قرار دارد. این نیاز، هنگامی بیشتر مورد توجه انسان قرار می‌گیرد که مشکلی برای او پیش می‌آید و به نحوی از این جهت احساس خطر می‌کند. یکی از گروه‌هایی که بیش از دیگران با این چالش مواجه‌اند، افراد دارای بیماری مزمن یا افرادی هستند که با یک بیماری شدید دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تحقیقات مختلف نیز نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های معنوی بیماران، احساس عدم پشتیبانی و رهاشدگی از سوی خداوند (Chaturvedi, 2007) است.

قرآن کریم، همان‌طور که منبع برآورده شدن همه نیازها را خدای متعالی بیان می‌کند، در خصوص نیاز به امنیت نیز حضرت حق را به عنوان منبع مطمئن برآورده شدن نیازها معرفی می‌کند و از مفهوم استعاذه برای این منظور بهره برده است. این واژه مصدر از ریشه «عوذ» و به معنای پناه بردن، اعتصام (ابن منظور. ۱۴۱۴ ق: ۴۶۴/۹)، التجاء، پیوسته شدن و پناهندگی به اوست (ابن اثیر. ۱۳۶۷: ۳/۳۱۸) و از مهم‌ترین الفاظ در بحث استعاذه، واژه «اعوذ» است که به معنای حفظ کردن خویش و پرهیز دادن از شرّ، و پناه بردن به کسی که می‌تواند آن را دفع کند، آمده است (طباطبائی. ۱۴۱۷ ق: ۲۰/۳۹۲). در قرآن کریم، مشتقات واژه «عوذ»، هفده مرتبه در قالب واژه‌هایی همچون عُوذْتُ، اَعُوذُ، يَعُوذُونَ، مَعَاذَ، اُعِيذُهَا و اِسْتَعِيذُ به کار رفته است.

در اهمیت استعاذه همین بس که پیامبران و اولیای الهی همواره به خداوند پناهنده می‌شوند. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از سوی خداوند مأمور شده است که به مردم اعلام کند: ﴿قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ...﴾ (ناس):



بتواند در ناملازمات به او اعتماد و اطمینان داشته باشد و در پناه او باشد، به راستی سخت و نشدنی است. از سوی دیگر، انسان می‌تواند با پناهنده شدن به محضر حضرت حق، خود را از گناه دور نگه دارد و زندگی اخلاقی خود را بیش از پیش تضمین نماید.

سوره مبارک ناس در معرفی ملجأ و مقامی که باید به آن پناهنده شد، ویژگی‌ای خاص دارد. در این آیات، خداوند با سه وصف یاد شده است: «رب الناس»، «ملك الناس» و «اله الناس». «رب» به معنی مالک مدبر است؛ کسی که صاحب اختیار و تدبیرکننده امور و مربی است؛ فردی که انسان در همه نیازهایش به او پناه می‌برد. دومین وصف، پادشاهی و تسلط است؛ کسی که دارای سلطنت و قدرت و حکم نافذ است و می‌تواند با اعمال قدرت و سلطنتش خطر را دفع کند؛ مانند پادشاهان و حاکمان و سومین وصف، معبود است؛ همان کسی که انسان به صورت فطری وقتی برایش گرفتاری پیش می‌آید بدو پناه می‌برد (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۲۰/۳۹۶). سوره ناس با این بیان، مخاطبان خود را راهنمایی می‌کند که بهترین پناه خداوند است و باید در مواجهه با شرور به حضرت حق پناهنده شد.

باید توجه داشت که پناه بردن به خداوند می‌تواند لفظی و عملی باشد. مشهورترین عبارت استعاده لفظی «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» است که نظم و آیه ۹۸ سوره نحل سازگار است که فرمود: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ و در روایات بسیاری، بر برتری آن بر دیگر وجوه صحه گذاشته شده است. گفته شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی با تأکید بر الهی بودن این شکل از استعاده، آن را به ابن مسعود تعلیم داده است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۲/۶۳۳-۶۳۴).

پناه بردن عملی نیز می‌تواند مصادیقی بیشمار داشته باشد. یکی از این روش‌ها تعویذ است. نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله تلاوت معوذتین را بهترین روش در پناه

ماندن می‌دانستند و در عمل، بارها امام حسن و امام حسین علیهما السلام را به این دو سوره تعویذ می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۸۶۶).

افزون بر آن، در عالم، مؤثر و علتی غیر از خداوند وجود ندارد و همه چیز با اذن و اراده خدای سبحان محقق می‌شود. همه تلاش‌های انسان در واقع توسل به حضرت حق و پناهنده شدن به اوست تا او اراده کند و امری را ایجاد کند. ما را از خطری برهاند و خیری بر ما برساند. براین اساس، همه تلاش‌های انسان برای پیشگیری یا رهایی از یک شرّ می‌تواند مصداق پناه بردن به او باشد. همچنین، به صورت خاص دعا کردن نیز یکی از افعال ویژه در خصوص پناهنده شدن به حضرت حق است و می‌تواند از این جهت آرامش‌بخش باشد.

با توجه به توضیحات فوق، پیشنهاد می‌شود که به بیماران، مسئله لزوم پناه بردن به خداوند در مشکلات، توجه داده شود. طبیعتاً پیش از این مسئله، نیاز است اوصاف خداوند به آنان یادآوری و مصادیق مختلف لفظی و عملی پناه بردن به حضرت حق توضیح داده شود.

#### منابع:

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). الکشف عن حقائق غوامض التنزیل و عبون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسالمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.
- Chaturvedi, S. (2007). Spiritual issues at the end of life. Indian Journal of Palliative Care, 13(2), 48.

## معرفه منابع شیعه روایه مرتبط با سلامت جسمه

محمود شکوهی تبار

گروه مطالعات قرآن و حدیث در سلامت،  
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

shokouhi@muq.ac.ir

کرده است؛ ولی در عین حال، بخش‌هایی از آن مشتمل بر روایات مرتبط با سلامت جسمی است. در این کتاب هم به‌عنوان نمونه می‌توان به «باب السواک» در جلد اول کتاب و «باب الاکل و الشرب» در جلد سوم اشاره کرد که روایات طبی را در برگرفته است.

- المحاسن تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق): جناب برقی این کتاب را در دو جلد سامان داده و مشتمل بر روایات متنوع در موضوعات گوناگون است. در این کتاب هم روایات متعددی در زمینه سلامت جسمی مطرح شده است. «کتاب المآکل» و «کتاب الماء» از جمله فصول این کتاب در این زمینه است.

- مکارم الاخلاق اثر حسن بن فضل طبرسی از علمای قرن ششم: این کتاب در زمینه اخلاق و آداب تدوین شده که دوازده باب است و مملو از روایات مرتبط با بحث سلامت جسمی است؛ برای نمونه کل باب دوم این کتاب با عنوان «آداب تطهیر و پاکیزگی و سرمه کشیدن و روغن مالی و مسواک»، آداب حمام، آداب خوردن و آشامیدن، نکاح، آداب ناخن گرفتن و ... در همین زمینه است.

- کتاب الفقه منسوب به امام رضا علیه السلام که با عنوان «فقه الرضا» از آن یاد شده است. این کتاب ۱۱۹ باب دارد که روایات متنوع فقهی و غیر فقهی را در خود جای داده است. نویسنده در بابی با عنوان «باب الطب» بخشی از روایات مرتبط با طب را نقل کرده است.

- دعائم الاسلام تألیف نعمان بن محمد (م ۳۶۳ ق): در این کتاب نیز بابی با عنوان «کتاب الطب» آمده و روایات طبی در آن نقل شده است. البته در ابواب دیگر نیز به مناسبت، برخی روایات مرتبط با سلامت جسمی نقل شده است؛ مثل «ذکر السواک» که بخشی

از مقدمات بهره‌مندی از روایات در زمینه احادیث مرتبط با حوزه سلامت جسمی، شناسایی منابع و مصادر حدیثی آن‌هاست تا زمینه اعتبارسنجی و استفاده از این منابع و روایات در گام‌های بعد فراهم گردد. این روایات در منابع مختلف شیعه نقل شده است. برخی منابع به‌صورت اختصاصی و برخی در کنار روایات دیگر، به این موضوع اختصاص داده شده‌اند. این نوشتار به معرفی منابع غیر اختصاصی و اختصاصی حدیثی شیعه در این زمینه می‌پردازد تا امکان پژوهش برای محققان بیش‌ازپیش فراهم گردد. البته در این مجال تنها به روایاتی که مستقیماً به سلامت جسمی مرتبط هستند پرداخته شده و روایات دیگر که به‌صورت غیرمستقیم با سلامت جسمی در ارتباط‌اند، مثل روایات مناسب مراقبت معنوی، در این نوشتار مدنظر نیستند و معرفی آن منابع به فرصتی دیگر واگذار شده است.

### منابع غیر اختصاصی

- الکافی، اثر شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق): این کتاب، مهم‌ترین و معتبرترین کتاب حدیثی شیعه به شمار می‌آید و در میان کتب اربعه، بیشترین روایات با این موضوع را داراست. کافی شامل اصول، فروع و روضه و در چاپ‌های کنونی مشتمل بر هشت جلد است. اصول عمدتاً به مباحث اعتقادی، اخلاقی و ... فروع به روایات فقهی، و روضه به مباحث متعدد و موضوعاتی متنوع اختصاص یافته است. «کتاب الاطعمه» و «کتاب الاشریه» این کتاب در جلد ششم و نیز «باب السواک» در جلد سوم از جمله مواردی است که روایات مرتبط با مباحث طبی در آن مطرح شده است.

- من لایحضره الفقیه تألیف شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق): این کتاب نیز یکی از کتب اربعه شیعه است که در اصل، فقه ماثور به شمار می‌آید و شیخ صدوق نظرات فقهی خود را با عباراتی نزدیک به الفاظ روایات تبیین





از روایات نقل شده ذیل «کتاب الطهاره» را به خود اختصاص داده است.

• السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی اثر محمد بن احمد بن ادریس (م ۵۹۸ ق): این کتاب که عمده مطالبش تبیین آرای فقهی مؤلف است پس از کتاب اطعمه و اشربه، بابی مستقل با عنوان «کتاب الطب» آورده که روایات طبّی را در آن ذکر کرده است. البته در دیگر ابواب نیز به مناسبت، روایاتی در زمینه سلامت جسمی به چشم می خورد.

• الفصول المهمه فی اصول الائمه تألیف شیخ حر عاملی صاحب وسائل الشیعه (م ۱۱۰۴ ق): این کتاب در موضوعات اصول دین، اصول فقه، فروع فقه و نوادر است که در بخشی از کتاب با عنوان «ابواب الکلیات المتعلقة بالطب و ما یناسبها» به تفصیل و در ۱۴۱ باب، روایات مرتبط با طب را آورده است.

• بحار الانوار تألیف محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق): کتاب یادشده در واقع دائره المعارف بزرگ حدیث شیعه به شمار می آید و شامل مباحث مختلف اسلامی همچون تفسیر قرآن، تاریخ، فقه، کلام و ... است. در این کتاب نیز ذیل عناوین «ابواب الطب و معالجه الأمراض و خواص الأدوية» و «ابواب الأدوية و خواصها» به طور گسترده به بحث روایات طبّی پرداخته شده که بخش زیادی از جلد ۵۹ این کتاب را به خود اختصاص داده است.

#### مصادر اختصاصی

• طب الائمه تألیف حسین و عبدالله بن بسطام بن سابور الزیاتی از محدثان شیعی قرن چهارم هجری: این کتاب مشتمل بر روایاتی درباره طب و فواید و مضرات مواد غذایی، و داروهای گیاهی و ادعیه است. گفته شده که مؤلفان این کتاب در سفر به یکی از مرزهای آن زمان که با مشکلات بهداشتی و پزشکی رزمندگان مسلمان در آن دوران، مانند تغییر آب و هوا و بیماری های تازه روبه رو شدند، تصمیم گرفتند کتابی تدوین کنند که دستورات بهداشتی اسلام را از زبان ائمه معصومین علیهم السلام بیان کند. این کتاب دارای ۴۰۹ حدیث در

۲۴۵ عنوان آمده است که ذیل هر عنوان، یک یا دو خبر نقل شده است.

• طب الرضا (رساله ذهبیه): کتابی منسوب به امام رضا علیه السلام که در زمینه سلامت و بهداشت نوشته شده است و با تشریح فیزیولوژی بدن انسان و تمثیلات درباره اعضای بدن، به منشأ دردها و بیماری ها و ارائه دستورالعمل هایی درباره نوع تغذیه مناسب هر فصل و نیز مباحثی، مثل حجامت و آداب حمام کردن، مباحث مختلف مرتبط با سلامت جسمی را بیان کرده است.

• طب النبی اثر جعفر بن محمد مستغفری (م ۲۳۲ ق): این کتاب به روایات رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله درباره قواعد طب و آداب خوردن و انواع داروها پرداخته است. علامه مجلسی کتاب یادشده را به صورت کامل در بحار الانوار نقل کرده است. این اثر دارای حدوداً ۱۵۰ روایت منسوب به رسول خداست صلی الله علیه و آله.

• طب الائمه اثر سیدعبدالله شُبر (م ۱۲۴۲ ق): این کتاب در دو جلد تدوین شده و شامل چندین باب درباره مداوا و علاج برخی بیماری های جسمی است. ایشان این روایات را از کتاب هایی مانند کافی، من لایحضره الفقیه، خصال، علل الشرایع، عیون اخبار الرضا، بحار الانوار جمع آوری کرده است.

دانشنامه احادیث پزشکی تألیف محمد محمدی ری شهری: این کتاب از مفصل ترین نگاهشده های طب روایی است که از منابع روایی شیعه و اهل سنت تدوین شده است. مؤلف این اثر را در دو جلد که دارای پنج بخش است تدوین کرده و احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را پیرامون دانش پزشکی و درمان بیماری های جسمی جمع کرده است.

منبع:

- هادی، غلامعلی، مهدی (۱۳۹۶). کتاب شناخت حدیث: پژوهشی مهم ترین منابع حدیثی شیعه و اهل سنت. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

- غلامعلی، مهدی (۱۳۸۸). سبک شناخت کتاب های حدیثی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

- گروهی از محققان. دانشنامه اسلامی. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام.

## فقه‌سلامت

# حکم تشریح جسد به قصد آموزش (۴)

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،  
دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.  
a.mashkooori@gmail.com

تمام و بی‌نقص به نظر می‌رسد.

## ۲. لزوم تسریع در دفن متوفی و دلالت آن بر حرمت تشریح

از دیگر دلایل حرمت تشریح، لزوم تسریع در دفن متوفی ذکر شده است و چون تشریح جسد باعث تأخیر در دفن می‌شود، تشریح را جایز ندانسته‌اند. در برخی روایات، بر تسریع و تعجیل بر تجهیز متوفی و به خاک‌سپاری او تصریح شده و احترام و تکریم متوفی، شتاب کردن در تجهیز او اعلام شده است؛ به نحوی که اگر کسی شب فوت کرد، تجهیزش تا صبح به تأخیر نیفتد و اگر کسی صبح فوت کرد تا پیش از ظهر دفن شده باشد (الحر العاملی، ۱۴۱۴ ق. ۲، ج ۴-۴۷۱). طبیعتاً، تشریح جسد با چنین تعجیلی در تجهیز متوفی در تضاد است؛ لذا تشریح جسد حرام دانسته شده است، اما فقهای عظیم‌الشان شیعه در مقام افتاء، تسریع در تجهیز متوفی را مستحب اعلام کرده‌اند (حسینی سیستانی، ۱۳۹۳؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۱ ق؛ مرحوم صافی گلپایگانی، ۱۴۱۴ ق؛ فیاض، ۱۳۹۳؛ شبیری زنجانی، ۱۳۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۵). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که طبق نظر فقها، امر به تسریع در این روایات به شکل امر استحبابی است نه امر وجوبی. بدین ترتیب، حرمت تشریح از روایات تسریع در تدفین قابل استفاده نخواهد بود، مگر تأخیر در حدی باشد که موجب بی‌احترامی و هتک حرمت مؤمن

در سه شماره پیش، دلایل حرمت تشریح گفته شد که به صورت خلاصه به شرح ذیل بودند:

۱. مُثله کردن فعلی حرام است و تشریح نیز نوعی مُثله کردن است.
  ۲. تشریح جسد مسلمان، هتک حرمت اوست و هتک حرمت مسلمان جایز نیست.
  ۳. روایاتی که از هرگونه دست‌کاری جسد مسلمان، حتی کوتاه کردن مو و ناخن منع می‌کنند.
  ۴. تشریح جسد باعث تأخیر در تجهیز و تدفین جسد می‌شود و تجهیز و تدفین میت مسلمان از واجبات فوری است.
  ۵. برای بریدن اعضای جسد مسلمان دیه تعیین شده است و تعیین دیه نشان از ممنوعیت تشریح دارد.
- در دو شماره پیش نیز دلیل یکم را بررسی کردیم و نشان دادیم که تشریح با مثله تفاوت ماهوی دارد و حکم مثله قابل تسری به تشریح نیست. در شماره پیش به بررسی دلیل منع دست‌کاری جسد پرداختیم و نشان دادیم که از نظر شارع مقدس، میت باید بدون هیچ‌گونه دست‌کاری، غسل داده و دفن شود و رفتاری خشن همچون تشریح جسد، مجاز نیست. در این شماره به بررسی دیگر دلایل می‌پردازیم.

## ۱. تشریح جسد مسلمان، هتک حرمت اوست و هتک حرمت مسلمان جایز نیست

برخی روایات بر محترم بودن میت مؤمن و حرام بودن قطع اعضای جسد او دلالت دارند و حتی برخی روایات، حرمت میت مؤمن را بیشتر از حرمتش در حال حیات اعلام می‌کنند (الحر العاملی، ۱۴۱۴ ق. ۲۹، ص ۹-۳۲۸). دستاورد این روایات اینکه، همان‌گونه که مؤمن در حال حیات محترم است، پس از فوت نیز محترم است و همان‌گونه که هرگونه تعرضی به بدن مؤمن در حال حیات ممنوع است، پس از فوت نیز تعرض به جسدش ممنوع خواهد بود. لذا قطع اعضای مؤمن جایز نیست و افزون بر این، برخی روایات قطع اعضای میت را بدتر از قطع اعضای مؤمن در حال حیات اعلام کرده‌اند. طبیعتاً، این روایات بر حرمت تشریح دلالت دارند و این دلالت با تصریحی که در روایات دیده می‌شود

### جمع بندی دلایل پنج گانه حرمت تشریح جسد مؤمن

همان طور که گفته شد، دلیل یکم حرمت تشریح جسد مؤمن (که تشبیه تشریح به مثله بود) رد شد و نتوانست حرمت تشریح را ثابت کند. دلیل دوم و سوم که هتک حرمت مؤمن و منع تعرض به جسد بود، از دلایل قوی و کافی به نظر می‌رسند. دلیل چهارم که ملازمه تشریح با تأخیر در تدفین بود نیز مقید به قید بی‌احترامی به جسد شد که کارآیی‌اش را محدود می‌کند، و دلیل پنجم که وجوب دیه بود نیز دلیل قابل قبولی به نظر می‌رسد. بنابراین، با توجه به دلایل فوق، حکم اولی تشریح جسد مسلمان، حرمت خواهد بود.

#### منابع:

- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث. ج ۲۹. ص ۳۲۸-۹.
- حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۳۹۳). توضیح المسائل. ج ۲۹. ص ۳۲۸-۳۲۹.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۱ ق). توضیح المسائل. قم: مدرسه باقرالعلوم علیه‌السلام. ص ۱۰۰.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۴ ق). توضیح المسائل. قم: دارالقرآن الکریم. ص ۹۰.
- فیاض، محمد اسحاق (۱۳۹۳). توضیح المسائل. قم: صاحب‌الامر علیه‌السلام. ص ۶۹.
- شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۳۹۶). توضیح المسائل. قم: مرکز فقهی امام محمدباقر علیه‌السلام. ص ۱۳۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵). توضیح المسائل. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. ص ۱۳۳.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث. ج ۲. ص ۴۷۱-۴.

محسوب شود که این امر ارتباطی به حکم فقهی تشریح ندارد، بلکه از باب حرمت هتک مؤمن است.

### ۳. وجوب دیه بر قطع اعضای میت و دلالت آن بر حرمت تشریح

شرح این دلیل بدین ترتیب است که وارد کردن هرگونه جراحت عمدی بر جسد متوفی موجب وجوب دیه است و وجوب دیه دلالت بر ممنوعیت فعل دارد. پس تشریح هم فعلی ممنوع و حرام است. آنچه از بررسی روایات باب (الحر العاملی. ۱۴۱۴ ق. ج ۲۹. ص ۷-۳۲۴) به دست می‌آید از این قرار است که انجام هر فعلی بر جسد که در حال حیات جایز نبود، در حال فوت هم جایز نیست و در صورتی که فردی، کاری با جسد کند که اگر صاحب جسد زنده بود باعث مرگش می‌شد، باید یک دیه پرداخت کند؛ ولی مبلغ این دیه مبلغ دیه قتل خطای نیست، بلکه دیه جنین پیش از ولوج روح است که صد دینار باشد و این دیه باید صرف انجام امور خیر برای متوفی شود و به ورثه‌اش نمی‌رسد. ممکن است گفته شود که دیه بر حرام بودن فعل دلالت ندارد؛ چراکه مثلاً قتل خطای محض نیز دیه دارد؛ درحالی که قاتل گناهی مرتکب نشده است. در پاسخ گفته می‌شود یکم اینکه، در قتل خطای محض قاتل هیچ‌گونه قصد جنایتی نداشته و فعلش از روی سهو و خطای محض صورت گرفته است و اگر جز این بود، حکمش قصاص بود نه دیه. درحالی که محل بحث ما ایراد جراحت و جنایت بر جسد به صورت عمدی و ارادی است. پس بین این دو تفاوت بسیار است. دوم اینکه، تعیین دیه برای جراحت عمدی وارد بر جسد، خود نشان از ممنوعیت ایراد جراحت دارد و هدف ما اثبات همین ممنوعیت شرعی است و البته پدیده‌ای است که اگر کسی فعلی را که شرع ممنوع دانسته عمداً انجام دهد، مرتکب حرام شده است.

دلیل اول حرمت تشریح جسد مؤمن - که تشبیه تشریح به مثله بود - رد شد و نتوانست حرمت تشریح را ثابت کند. دلیل دوم و سوم که هتک حرمت مؤمن و منع تعرض به جسد بود دلایل قوی و کافی به نظر می‌رسند. دلیل چهارم که ملازمه تشریح با تأخیر در تدفین بود نیز مقید به قید بی‌احترامی به جسد شد که کارآیی‌اش را محدود می‌کند و دلیل پنجم که وجوب دیه بود نیز دلیل قابل قبولی به نظر می‌رسد. بنابراین با توجه به دلایل فوق، حکم اولی تشریح جسد مسلمان، حرمت خواهد بود.

## درستکاری، همواره!

محسن رضایی آدریانی  
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و  
دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

mrezaie@muq.ac.ir

حمید آسایش  
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و  
دین، دانشگاه علوم پزشکی قم

### مرفی مورد

دخترخانم هشتساله‌ای برای عمل جراحی شکستگی دست، پذیرش اتاق عمل شده است. به دلیل سن پایین و دختر بودن بیمار و آینده ایشان، تیم جراحی همه تلاش خود را به کار گرفته است تا همه کارها با دقت انجام شود و اتفاق ناخواسته‌ای برای آن دختر نیفتد.

### تحلیل مورد

از قواعد معروف و کاربردی اصول فقه شیعه - و نیز اهل سنت - قاعده «لاضرر» است. بر اساس این قاعده، عملکرد هیچ مسلمانی نباید موجب آسیب به دیگری شود (محقق داماد، ۱۳۹۱). این موضوع در اصل «ضررنسانی» (non-maleficence)، به عنوان یکی از اصول چهارگانه اخلاق پزشکی هم جلوه‌گر شده است (عباسی، ۱۳۹۴).

برای رعایت اصل ضررنسانی و به تبع آن سودرسانی، انجام دقیق اقدامات تشخیصی - درمانی برای همه بیماران ضروری است. غالباً، زمانی افراد به بیمارستان مراجعه می‌کنند که سلامتشان دچار مشکل است و در برخی موارد، انجام نشدن اقدامات تشخیصی - درمانی، جان افراد را در معرض تهدید قرار می‌دهد. بر اساس اصول رفتار حرفه‌ای در حرف گروه

پزشکی، مانند نوع دوستی، شرافت و درستکاری، عدالت و احترام، انتظار می‌رود که اعضای جامعه پزشکی و پیراپزشکی منافع بیمار را در اولویت قرار دهند و دلسوزانه نیازهای بیماران را برطرف نمایند و ضمن ارتقای مداوم دانش و مهارت، بکوشند بیشترین سود را به بیمار برسانند و در هنگام انجام اقدامات، از ایجاد ضرر و آسیب به بیمار جلوگیری نمایند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

یکی از نقش‌های کارکنان نظام سلامت، نقش حمایتی است که اهمیت این نقش در ارائه خدمات به گروه‌های آسیب‌پذیر، از جمله کودکان، پررنگ‌تر است. از منظر حقوقی نیز رعایت استانداردهای مراقبتی می‌تواند از قصور پزشکی و مشکلات بعدی پیشگیری نماید و انتظار می‌رود پزشکان و پیراپزشکان اطلاعاتی در حد معقول و متناسب از پیشرفت‌های مهم دانش پزشکی داشته باشند و بر اساس اصول علمی به ارائه خدمات و

درستکاری، عمل به وظایف شرعی، اخلاقی، قانونی و حرفه‌ای است.

مراقبت‌های سلامت پیراژند (عباسی، ۱۳۸۸). محور اول منشور حقوق بیمار می‌گوید: «دریافت مطلوب خدمات سلامت حق بیمار است». این حق همه بیماران است که خدمات سلامت را در حداقل مورد نیاز و به‌صورت مطلوب دریافت کنند. همه تلاش نظام سلامت باید این باشد که برای همه افراد آمت، خدمت‌رسانی با کمیت و کیفیت مطلوب برقرار باشد. در همین محور آمده است: «توجه ویژه‌ای به حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، از جمله کودکان، زنان باردار، سالمندان، بیماران روانی، زندانیان، معلولان ذهنی و جسمی و افراد بدون سرپرست داشته باشد». از این رو، مراقبت از برخی بیماران حساسیت بیشتری دارد. در این دسته، باید مراقبتی با دقت و کیفیت بیش‌ازحد مراقبت معمول ارائه شود.

در فرهنگ ما (و اغلب جوامع انسانی) بر اساس فطرت الهی، زیبایی برای فرد مهم است. به‌واسطه آنکه جنس مؤنث لطیف است، لزوم حفظ زیبایی‌های خدادادی دوچندان است. درباره دختران و زنان، این اهمیت مضاعف می‌شود.

بر اساس نکات ذکرشده روشن است که درستکاری در انجام مراقبت‌های پزشکی از منظر شرعی، اخلاقی، حقوقی و اصول اخلاق حرفه‌ای مورد انتظار است و عمل به وظایف حرفه‌ای خواسته یا ناخواسته مزایای

دنیوی و اخروی متعددی به دنبال خواهد داشت. تیم جراحی، شرایط بیمار یادشده در این گزارش را به‌درستی درک کرده‌اند و کوشیده‌اند که بیمار بهترین مراقبت‌ها را دریافت نماید و در کنار تلاش برای ارائه مراقبت، به‌تناسب شرایط بالینی فعلی بیمار، وضعیت بیمار در آینده را نیز در نظر گرفته، و نقش حمایتی خود را در مراقبت از یک کودک پررنگ‌تر می‌بینند. بی‌تردید، از هر فرد حرفه‌مند در نظام سلامت انتظار می‌رود که در برابر همه بیماران بر اساس اصول شرعی، اخلاقی، قانونی و حرفه‌ای به وظایف خود عمل نمایند.

منابع:

- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۱). فقه پزشکی. نشر حقوقی. صفحات ۵۲-۶۰.
- عباسی، محمود؛ صفایی، سهیلا (۱۳۹۴). «بررسی اصول چهارگانه اخلاق زیستی از منظر فقه و حقوق اسلامی». مجله اخلاق زیستی، (۲)، ۱۱-۴۰.
- عباس‌زاده قنواتی، منیر؛ واحدی، سعید؛ مهرانی، فریرز، شریفی یزدی، محمدکاظم (۱۳۹۳). اخلاق حرفه‌ای در علوم پزشکی. نشر شرکت آینه نما.
- عباسی، محمود (۱۳۸۸). «حقوق جزای پزشکی». نشر حقوقی. ص ۱۰۶-۱۱۵.

توجه به بیماران گروه‌های آسیب‌پذیر، از منظر اخلاق حرفه‌ای بسیار بااهمیت است.

## جایگاه دانش پزشکی در تقسیم بندی علوم از دیدگاه ابوسهل مسیحی جرجانی

سرهنگ پزشک حمیدرضا اسماعیلی  
بیمارستان ۵۶۰ ارتش - گرگان  
Dr.hamid1356@gmail.com

غزنوی، از خوارزم به دربار آل زیار در جرجان کوچ کرد و مدتی در این سرزمین زندگی کرد. به گفته نظامی عروضی در کتاب چهارمقاله، در سال ۴۰۱ قمری به همراه ابوعلی سینا خوارزم را ترک کرد و در بیابانهای خوارزم به دلیل طوفان شن و تشنگی در چهل سالگی درگذشت. البته این مطلب کاملاً مستند نیست؛ چراکه طبق برخی قرائن تاریخی، ابوسهل تا حدود ۴۱۶ قمری در قید حیات بوده است (اسماعیلی، ۱۳۹۹).

معروفترین کتاب طبی ابوسهل مسیحی، المائنه فی الطب یا صد باب مسیحی است که تا مدت‌ها از متون مهم علم طب بود. از دیگر کتب ایشان، الطب الکلی، تشریح المسیحی (اظهار حکمة الله تعالی فی خلق الانسان)، تلخیص السماء و العالم ارسطو، اصناف العلوم الحکمیة، ارکان العالم و دوازده رساله در ریاضی برای ابوریحان بیرونی را می‌توان نام برد.

از مباحث کلیدی و مهم و همچنین مورد علاقه فیلسوفان و اندیشمندان در طول تاریخ، تقسیم‌بندی (categorization) علوم بوده است. این تقسیم‌ها

شیخ الاجل، العالم الفاضل الحکیم الكامل و الفیلسوف التقریس و المحقق الرئیس فؤدة الحکماء و امام الاطباء، ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی جرجانی، فیلسوف و ریاضی‌دان و طبیب بزرگ ایرانی در نیمه دوم سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری بود. وی حدود سال ۳۶۰ قمری در سرزمین جرجان در خانواده‌ای نصرانی (مسیحی) متولد شد. برای یادگیری علوم عقلی به کانون علم آن دوره، یعنی بغداد رفت و در آغاز جوانی طبیعی چیره‌دست شد. او به دعوت ابوعلی مأمون بن محمد خوارزمشاه، حاکم آل مأمون در حدود سال ۳۸۶ یا ۳۸۷ قمری، به خوارزم رفت و در آن دربار ارج و قرب یافت و کتب فراوانی نگاشت. ابوسهل در آن دیار با اندیشمندان بزرگی، همچون ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا هم‌نشین شد و با آنها به بحث و تبادل علمی پرداخت (اسماعیلی، ۱۳۹۹).

ابوسهل تا حدود سال ۴۰۴ قمری در گرگانج (پایتخت حکومت آل مأمون) و در دربار ابوالعباس خوارزمشاه زیست و پس از آن به دلیل احتمال حمله سلطان محمود

همواره برای مطالعه دقیق دانش‌های گوناگون ضرورت داشته است. این اندیشمندان گاه کتب و رسائلی مستقل در باب طبقه‌بندی علوم نگاشته‌اند. از جمله این کتب مستقل می‌توان رسالهٔ اقسام العلوم العقلیه ابن سینا، احصاء العلوم فارابی و اصناف العلوم الحکمیة ابوسهل مسیحی را نام برد.

تقسیم‌بندی علوم در تاریخ تمدن اسلامی، حرکتی علمی، مهم و تعیین‌کننده به شمار می‌آید. از صدر اسلام تاکنون، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از دانش ارائه شده است. تقریباً نخستین تلاش جدی مسلمانان در این زمینه از سده سوم هجری و به وسیلهٔ ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (۱۸۵-۲۵۲ ق) آغاز شد که بر مبنای تقسیم‌بندی ارسطو بود؛ ولی کتاب احصاء العلوم فارابی قدیمی‌ترین کتابی است که با چهارچوبی منسجم تقسیم‌بندی‌ای تقریباً کامل و جامع از علوم ارائه می‌دهد. فارابی در این کتاب بیان داشته است که وقتی انسان بخواهد علمی را فراگیرد و در آن پژوهش کند، باید بداند که به چه کاری اقدام می‌کند و در چه چیز به پژوهش می‌پردازد و چه سودی از این کار حاصلش می‌شود و همچنین می‌تواند در میان علوم به مقایسه بپردازد تا بداند کدام علم برتر و کدام یک سودمندتر است (گوتاس. ۱۳۹۰؛ کیانی. ۱۳۹۰؛ قنادی نژاد. ۱۳۹۸).

برادر وزیر معروف ابوالعباس خوارزمشاه، یعنی ابوالحسن سهل بن محمد سهلی (سهیلی)، از ابوسهل مسیحی خواست تا رساله‌ای در باب طبقه‌بندی علوم بنگارد. ابوسهل احتمالاً در بین سال‌های ۳۹۹ تا ۴۰۴ ق رسالهٔ اصناف العلوم الحکمیة را برای ایشان به رشته تحریر درآورد. تنها یک نسخه از این رساله به شماره Acad 44 در کتابخانه لیدن هلند موجود است که در سال ۱۳۷۰ شمسی به وسیلهٔ محمدتقی دانش‌پژوه در مجله تحقیقات اسلامی به چاپ رسید (مسیحی. ۱۳۷۰).

در این رساله، ابوسهل علوم را تعریف و اقسام آن را بدون نظم منطقی ذکر کرده است. او نخست علوم را به دو قسم کلی و جزئی تقسیم می‌کند:

۱. قسم اول را از باب تسمیه کلّ به جزء و نیز به دلیل اینکه این قسم از علوم به جمیع موجودات از جمیع وجوهشان نظر دارند، علم کلی نامیده است. علم کلی هم به دو قسم، یعنی علم طبیعی و علم الهی (مابعدالطبیعه) تقسیم می‌شود.

۲. قسم دوم، علم جزئی است که در آن، نظر در موجود خاص و خواص و لوازم آن، از جهت خاص بودنش است. این علم شامل علم طب، فلاحت (کشاورزی) و کیمیا است (مسیحی. ۱۳۷۰).

به باور ابوسهل مسیحی، علوم جزئی در مقایسه با علوم کلی، علم نیستند؛ چون اول اینکه جزئی هستند و صرفاً در موجود خاص نظر دارند. دوم اینکه، ناقص هستند و در آن موجود خاص نیز همه وجوه را در نظر نمی‌گیرند. سوم اینکه، غیر حقیقی هستند؛ زیرا آن موجود خاص را همان‌طور که هست از نظر نمی‌گذرانند. در نهایت، باید گفت که علوم جزئی صرفاً نفس را آماده دریافت علوم کلی می‌کنند (مسیحی. ۱۳۷۰).

علم الهی علمی است که نخست به‌طور مطلق در موجود و انحصار موجودات بسیط از حیث وجودشان نظر می‌افکند و سپس واحد و اقسام آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. ابوسهل چنین علمی را فوق طاقبت بشر می‌دانست و معتقد بود که تنها تعدادی محدود به درک آن رسیده‌اند.

علم طبیعی هم علمی است که موجودات را از نظر مرکب، کثیر و متغیّر بودن بررسی می‌کند. از نظر وی، تعداد افرادی که از این علم برخوردار می‌شوند بیشتر از کسانی هستند که دارای علم الهی هستند. این علم شامل هندسه و عدد، نجوم، موسیقی، علم المناظر و علم الحیل است.

ابوسهل غایت علم اخلاق، سیاست و امور مدنی را عمل می‌دانست و معتقد بود که این علوم از حیث مورد عمل واقع شدن، مقدم بر علوم صرفاً علمی هستند، اما از حیث معلوم بودن، متأخر از آن هستند. از نظر ابوسهل،

مهم‌ترین رسالهٔ ابوسهل مسیحی در تقسیم‌بندی علوم حکمی، اصناف العلوم الحکمیة است که در جواب ابوالحسن سهل بن محمد سهلی (سهیلی)، برادر وزیر ابوالعباس خوارزمشاه، در خوارزم در اوایل سده پنجم هجری نگاشته است.

خلاصه این که، ابوسهل مسیحی در رساله اصناف العلوم الحکمیّه، علوم را شامل دو قسم کلی و جزئی می‌داند. علم طب را در زمره علوم جزئیّه که علوم کاربردی هستند، می‌آورد و به دو شاخه علمی و عملی تقسیم می‌کند.

منابع:

- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۹۹). ابوسهل مسیحی جرجانی استاد ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا. گرگان: میرداماد.

- مسیحی جرجانی، ابوسهل (۱۳۷۰). «اصناف العلوم الحکمیّه». به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. مجله تحقیقات اسلامی. شماره ۹. ص ۲۱۱-۲۱۹.

- گوتاس، دیمیتری (۱۳۹۰). «نظریه پزشکی و روش علمی در عصر ابن سینا». ترجمه دکتر سیدمهدی حسینی. ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت. شماره ۸. ص ۵۶-۶۰.

- کیانی فرید، مریم (۱۳۹۰). «تقسیمات علوم از منظر اندیشمندان متقدم». مجله سوره اندیشه. شماره ۵۴ و ۵۵. ص ۱۷۰-۱۷۸.

- قنادی نژاد، فرزانه (۱۳۹۸). «طبقه‌بندی علوم از دیدگاه دانشمندان دوره اسلامی از قرن ۲ هجری تا عصر حاضر». مجله مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات. دوره ۳۰ شماره دوم.

- شریعت‌پناهی، سیدماهیار (۱۳۹۳). «دانش طب و طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی». فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. شماره ۱۴. ص ۳۳-۵۰.

از آنجاکه در همه علوم امکان خطا و اشتباه هست، وجود ملاکی برای تشخیص صحیح از ناصحیح و حق از باطل لازم و ضروری است و علم منطق عهده‌دار چنین امری است (مسیحی. ۱۳۷۰).

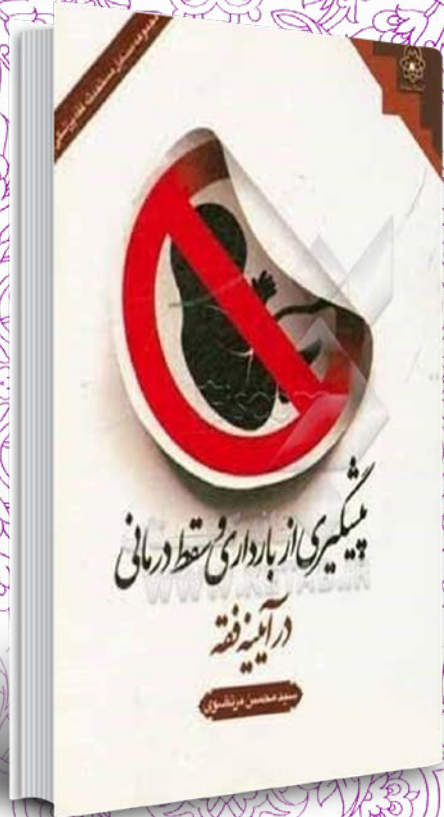
در باره جایگاه دانش پزشکی (صناعة الطب) از دیدگاه ابوسهل مسیحی، باید گفت که او در رساله خود علم طب را از علوم جزئیّه می‌داندست و آن را همراه با علم کشاورزی جزء صناعات مهنیّه، یعنی دانش‌های کاربردی آورده است. این نوع برداشت از جایگاه پزشکی در میان علوم، از اصول ارسطویی اقتباس شده که با برداشت جالینوس متفاوت است. ابوسهل علم طب را به دو شاخه علمی و عملی تقسیم‌بندی کرده است.

۱. شاخه علمی طب، نگاه به بدن انسان از نظر سالم یا بیمار بودن جسم یا آگاهی به سلامت و بیماری و دلایل آن است. ابوسهل بهترین کتب در این شاخه را کتب شانزده‌گانه جالینوس و تفاسیر او بر کتب بقراط معرفی می‌کند.

۲. شاخه عملی طب، حفظ سلامتی انسان تا زمانی است که سالم باشد و همچنین بازگرداندن سلامتی به شخص بیمار است. او بهترین کتب در این شاخه را المیامر جالینوس، کُنّاش فولس، کنّاش اهرن اسکندرانی، کنّاش مسیح دمشقی، کنّاش ابن سرائیون و الجامع الکبیر محمّد بن زکریای رازی می‌داند (مسیحی. ۱۳۷۰؛ شریعت پناهی. ۱۳۹۳).

ابوسهل، علوم حکمی را به دو شاخه کلی و جزئی تقسیم‌بندی کرد و علم طب را از علوم کاربردی جزئی دانست.





### معرفی کتاب

## پیشگیری از بارداری و سقط درمانی در آیینة فقه

کتاب «پیشگیری از بارداری و سقط درمانی در آیینة فقه»، اثر سید محسن مرتضوی، در سال ۹۹۳۱ از سوی انتشارات حوزه علمیه خراسان در ۴۰۳ صفحه به چاپ رسیده است.

از مسائل و موضوعات جدید و محل ابتلای امروز جوامع بشری و به ویژه جامعه اسلامی، دو موضوع راه‌های پیشگیری از بارداری و سقط جنین است. دیدگاه دین مبین اسلام همواره تشویق و تأکید بر تکثیر نسل بوده است؛ ولی امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی، راه‌های پیشمار و گاه پرخطری برای تحدید نسل و پیشگیری از بارداری در جامعه رواج پیدا کرده است. همچنین، امروزه موضوع سقط جنین در همه جوامع به منزله یک معضل اجتماعی تلقی می‌شود؛ به طوری که سلامت خانواده و جامعه را به مشکل دچار کرده است. از این جهت، بررسی این راه‌ها و موارد جواز سقط جنین، نیازمند بحث همه‌جانبه، موضوع‌شناسی و روشن شدن احکام تکلیفی و وضعی مرتبط با خود است که در این کتاب، به مباحث استدلالی و اجتهادی آن پرداخته شده است.

این اثر، در سه بخش و یک خاتمه تنظیم شده است. در بخش نخست، موضوع «مشروعیت تحدید نسل در اسلام» (مطلوبیت تکثیر نسل در اسلام، جواز و مشروعیت تحدید نسل، مروری بر سیاست کنترل جمعیت در ایران، سیاست‌های کلی جمعیت) مورد

بحث قرار گرفته است. در بخش دوم «حکم شرعی راه‌های مختلف پیشگیری از بارداری» (عزل و استفاده از وسایل جلوگیری کننده از ورود منی به رحم، استفاده از داروهای گیاهی و شیمیایی، حکم استفاده از آی یودی و نظرات مراجع، بستن لوله‌ها به وسیله عمل جراحی و بررسی نظرات فقها، برداشتن رحم یا تخمدان زن) مطرح شده است و در بخش سوم نیز به «احکام وضعی و تکلیفی مرتبط با سقط جنین و سقط درمانی» (مفاهیم و کلیات، حکم تکلیفی سقط جنین، احکام وضعی مرتبط با سقط جنین) پرداخته شده است. در قسمت خاتمه نیز موضوعاتی، همچون بحث مهم «ملاک در ولوج روح» و «مجوزات معاینات پزشکی مشتمل بر حرام» و «تجهیز و دفن جنین سقط شده» بررسی شده است.

شایان ذکر است که این کتاب، بخشی از سلسله دروس فقه موضوعات نوین پزشکی است که در دوره پودمانی تربیت پژوهشگر فقه پزشکی، به وسیله حجت الاسلام والمسلمین سید محسن مرتضوی تدریس شده است.

زهرا علایی طباطبایی  
دانشکده سلامت و دین

## دست نگار

طائر قدسیم از گلشن یار آمده است  
 خبر از ممکن غیب ملکوتم دادند  
 دانه‌های گهر یک سحر کوثر من  
 علم در روشنی روز رود گامی چند  
 این چه دریای شگرفی است که از لجه وی  
 این همه کثرت بی حد که از این سو بینی  
 همه جا جلوه مستانه جانانه اوست  
 عقل مدهوش جلال احدیت شد و عشق  
 لوح سیمین دل نجم ز زرین قلمش

که چنین ساده و پرنقش و نگار آمده است  
 طوبی بخت تو در سدره بیار آمده است  
 یک بیک دانه دو صدبار به کار آمده است  
 سیر عشق است که اندر شب تار آمده است  
 در یک دانه آدم به کنار آمده است  
 یک تجلی است از آن سو بشمار آمده است  
 حیف بر مردمک دیده غبار آمده است  
 ز تماشای جمالش به خمار آمده است  
 فص انگشتی دست نگار آمده است

علامه حسن‌زاده آملی رحمته



## پیام سلامت ودین (۲)

### آیا می‌دانید؟

بر اساس محور دوم منشور حقوق بیمار کشورمان:

«اطلاعات باید به نحو **مطلوب** و به میزان کافی در اختیار بیمار قرار گیرد.»

### پس بکوشیم تا حد ممکن

با رعایت شرایط و آماده نمودن بیمار و خانواده وی و با به کار بردن هرچه بهتر مهارت‌های ارتباطی،

مقایق مربوط به بیمار را صادقانه به او/همراهانش بگوییم.

